

تاریخ یا محل 04/06/2009

سیدهاشم سدید

مسخ شدگان

نه! نه تو و نه من
هیچکدام
نه نخستین و نه آخرین قربانیانیم، پدر!
مرا تو در تاریکستانی
در آنچه کعبه پنداشتی
در ریک زار های بی حاصل باور هایت
به گرد قبر های پوسیده از تو هم ها
به طواف واداشتی و ترا
کسی دیگری!
هر دو
هم تو و هم من
مانند کرم های پیش از من و تو
و مردگان بعد از ما
مسخ شدگانیم.
مسخ شدگان مرده دل ناهشیار
یا مردگان غسل میت دیده غسل خانه محیط
با آب بشارت ها
از شیخ و مولا و مولانا
و حباب و اصحاب
و از خدا!
نه! نه تو و نه من
هر دو افسون شدگانیم!
هر دو مسخ شدگان زندان باور هائیم
نه خواب و نه بیدار
در شوره زاری که مرغزارش میدانیم
با سنگی در بغل که الماسش میخوانیم!
با یک دامن ترس
و یک دنیا امید
از دوزخ و به بهشت!
نه!
نه تو نخستینش بودی پدر
و نه من خواهم بود
آخرینش!!